

در سر بیخه مانده بقرع و نیاز مندی بحضرت پروردگار  
مناجات کرده اند در میان تضرع زاری زبان مبارک  
گوشته که اکی قوت کشیدن بار و بلامی خود و تحمل  
محنت ده و مر محنت خود کرامت گردان چون باد  
بملازمیت حضرت خواجه محمد بابای سیمایی قدس سره  
رفته اند ایشان بنور ولایت دریافته اند که حضرت  
خواجه ورد عاجین گفته اند حضرت خواجه محمد بابای سیمایی  
لقمته ای فرزند درو عاجین میباید گفت که ای خیر  
حضرت تو در امت این بنده ضعیف خود در این  
بفضل کرم خود اگر خداوند سبحانه و تعلق بکلمت خود  
بلا و سپند بجاییت خود آن دولت قوت کشیدن  
آن بار بیدر و حکمت آن بر وی ظاهر کرده اند با خیمه از  
بلا و شر است کپتانی نیاید کرد پس منی **عبد**

انصاری

انصاری است قدس سره که بلا از دست عطا است  
پس از عطا نالیدن خطا است بلا از دست نال بود  
در میان بلا او بود در معنی کاسب حبیب الله است  
از حضرت خواجه بزرگ قدس سره گفته اند که کاسب  
حبیب الله را کاسب رضا است نه کاسب عالمی این  
سپهر نیست که بنده باید که کاسب کند این معنی را  
هر چه حضرت حق سبحا و تعالی باده و جود این معنی  
بحقیقت و قتی میسر شود که بنده محقق گردد و بغنا  
حقیقی درویش نیست باید که ای طالب **محمد**  
چیز است که در دنیا بگره خدایند سی قدر است  
بسیار دارد ازان غافل نباشید اول شکستگی تویم  
سیم پیاده کی **سیت** بر او وصلت بسته میار  
بون دوست در شکسته میار در اخبار آمده است که غانه